

توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران

یاسر شاکری^۱

چکیده

جرم توهین به مقدسات، از جمله جرائمی است که در سال‌های اخیر و گسترده شدن جنگ نرم علیه اسلام و مقدسات اسلامی بیشتر مورد توجه اذهان عمومی و مراکز حقوقی و سیاسی در داخل و خارج ایران قرار گرفته است. اهانت به مقدسات اسلام، یکی از عناوین مجرمانه است که در ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات در قسمت تعزیرات و نیز در قانون مطبوعات مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. اگر چه در بسیاری از موارد بر اساس قوانین موضوعه اتخاذ تصمیم نسبت به این عنوان مجرمانه مقدور و میسر است؛ اما در موارد عدیده مسائلی مطرح و مواردی ظهور و بروز پیدا می‌کند، که بعضاً قوانین موضوعه نسبت به آن‌ها ساکت هستند و لاجرم لازم است با عنایت به قوانین فقهی بدو حکم قضیه را استخراج و سپس نسبت به آن مورد یا موارد خاص اتخاذ تصمیم نمود.

واژگان کلیدی: توهین، مقدسات، قانون تعزیرات، ایران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از طریق مقدسات است که انسان می‌تواند به درگاه باری تعالی راه یابد و ارتباط با او را صمیمانه حس و تجربه کند. بنابراین احترام به باورهای مشترک ادیان و افراد بشر، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، اصلی است که همواره آموزه‌های دینی و آموزگاران بزرگ بشریت، و پیشوایان دین بر آن تاکید داشته‌اند و آن را راهی برای ایجاد همبستگی در اجتماعات بشری، تلقی نموده‌اند. مقوله اهانت به مقدسات در طی تاریخ، دوران پر نشیب و فرازی را پشت سر نهاده است، ولی این قدمت تاریخی از ارزش و بهای آن در زندگی بشر نکاسته است، و همواره در اجتماعات انسانی مورد توجه بوده و هست.

مسئله سب یا توهین به مقدسات را می‌توان از سه جنبه اخلاقی، حقوقی و فقهی مورد بحث قرار داد. در علم اخلاق از رذیله بودن این صفت و آثار آن بر روح و روان انسان بحث و گفتگو می‌شود. از نظر اخلاقی، یکی از صفات رذیله که ممکن است در انسان به وجود آید، دشنام‌گویی، فحاشی و ناسزاگویی است. از این رو فحش و تفحش در اسلام وجود ندارد، و روایات اسلامی و سیره نبوی و علوی تمسک به سخنان زشت را سلاح انسان‌های لثیم و پست می‌داند، و نتیجه آن را عداوت و دشمنی می‌داند. لذا مسلمانان از اهانت و فحاشی به شدت پرهیز داده شده‌اند، حتی افراد مسلمان حق ندارند به اهانت به مقدسات مشرکان و منحرفان اقدام کنند، تا مبدا مشرکان نیز برای مقابله به مقدسات مسلمین اهانت کنند. (بصیر، ۱۹۲، ۱۳۹۱)

اهانت به مقدسات اسلامی، یکی از جرایم پیش بینی شده در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون تعزیرات ۱۳۷۵ و قانون مطبوعات است، که اگر چه در بسیاری از موارد بر اساس قوانین موضوعه، اتخاذ تصمیم نسبت به این عنوان مجرمانه مقدور و میسر است، اما در موارد عدیده مسائلی مطرح و مواردی ظهور و بروز پیدا می‌کند، که بعضاً قوانین موضوعه نسبت به آنها ساکت هستند و لاجرم لازم است با عنایت به قوانین فقهی بدو حکم قضیه را استخراج، و سپس نسبت به آن مورد یا موارد خاص اتخاذ تصمیم نمود؛ چرا که در ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ و مستندات قانونی دیگر، این موارد به صورت کلی بیان شده و تصویر روشنی از آنها ارائه نشده است. (بصیر و همکاران، ۲۸، ۱۳۹۶)

۱- مفهوم حقوقی و اصطلاحی توهین

توهین، که غالباً به صورت حضوری است و موارد غیابی آن خیلی اندک است و در اصطلاح قضایی، نسبت دادن هر فعل و ترک فعلی است، که عرفاً مخالف حیثیت و احترام طرف تلقی گردد. عنوان توهین یک عنوان کلی است و فحاشی یکی از مصادیق آن است.

هر چند برخی از حقوق دانان ادعا کرده‌اند، که کلمه توهین به قدری کش دار است که نمی‌توان آن را تعریف نمود، و باید با توجه به مقام، اوضاع و احوال، موهن بودن عمل را تشخیص داد. (قدسی و کوهیان افضل دهکردی، ۱۳۸۸، ۱۸۱)

در توهین، الفاظی که به حیثیت طرف لطمه وارد می‌کند، به کار می‌رود. بعضی الفاظ ذاتاً موهن نیستند، ولی طرز تلفظ آن‌ها موهن است، و یا بعضی الفاظ در بعضی از ازمینه و امکان موهن است.

با ملاحظه شخصیت طرف جرم، باید موهن بودن لفظ یا عمل محرز گردد. توهین در حقوق جزا عبارت است از: کوچک کردن کسی، از طریق کلمات یا اعمالی که سوء ادب شخص تلقی می‌شود. (شامبیاتی، ۵۲۲، ۱۳۸۴)

در تعریف دیگری از توهین آمده است: توهین در اصطلاح به هر رفتاری (اعم از فعل، گفتار، اشاره یا نوشتار) دلالت دارد، که بتواند به نحوی موجب وهن حیثیت کسی در نظر افراد متعارف و معمولی جامعه شود. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷، ۴۱۷)

مراد از توهین در اصطلاح حقوقی، همان معنی عرفی آن است، از این رو توهین عبارت است از، هرگونه عملی که به نحوی از انجا در حیثیت متضرر از جرم، نوعی وهن وارد کند. به عبارت دیگر، می‌توان توهین را در معنای عام آن چنین تعریف نمود: «توهین، عبارت از هر فعل یا ترک فعل اعم از گفتار، رفتار، کتابت و اشارات است، که به نحوی از انجا بر حیثیت و شرافت طرف جرم، وهن وارد آورد. و در معنای خاص عبارت است از، نسبت دادن هر امر وهن آور، اعم از دروغ و راست و به هر وسیله و طریقه‌ای که باشد؛ به عبارت دیگر، هر فعل یا ترک فعل که از نظر عرف و عادت موجب کسر شأن یا باعث تضعیف یا پست شدن طرف گردد، توهین تلقی می‌شود.» (پاد، ۳۳۹، ۱۳۴۷)

۲- اقسام توهین در قانون

با توجه به تعاریفی که از نظر لغت و اصطلاح از کلمه توهین به عمل آمد، این جرم در تقسیم بندی‌های حقوقی به چهار قسم، تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۲-۱- توهین ساده

از خفیف‌ترین نوع از انواع توهین از حیث ویژگی و در نتیجه، از حیث مجازات توهین ساده می‌باشد، که ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی درباره آن می‌گوید: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنان چه موجب حد قذف نباشد، موجب مجازات شلاق تا هفتاد و چهار ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود».

ذکر این نکته ضروری است، که راست یا دروغ بودن نسبت‌ها در توهین شرط نیست. موهن شدن واقعی طرف نیز ضرورت ندارد، بلکه تنها این مهم است، که گفتار یا رفتار اهانت کننده بالقوه و عرفاً وهن آور تلقی شود، ضمناً علنی بودن آن نیز شرط نیست.

در جرم توهین، ارتجالی بودن عمل، شرط است؛ یعنی در صورتی فحاشی یا توهین یا استعمال الفاظ رکیک قابل مجازات است، که توهین شخص در جواب فحش یا توهین مخاطبش نباشد. بنابراین، چنانچه شخص به دیگری اهانت نماید، و طرف مقابل تحریک شود و به پاسخ‌گویی اهانت او به وی اهانت کند، مجازات نخواهد شد.

عناصر اختصاصی توهین ساده

- عنصر مادی: برای تحقق جرم لازم است، که مرتکب با انجام عمل مادی خود، به صورت گفتار یا نوشتار، موجبات هتک حرمت دیگری را فراهم نماید، و نیز توهین، متوجه شخص یا اشخاص معینی باشد.

- عنصر روانی: توهین و فحاشی از جرایم عمدی است، و منظور از عمد، علم و آگاهی مرتکب به وهن‌آور بودن کردار یا گفتاری است، که به حیثیت طرف لطمه وارد می‌کند. (حسین جانی، ۲۲۵، ۱۳۸۲)

۲-۲- توهین مشدد

توهین ساده، توهینی بود که از هیچ کیفیت مشدده‌ای برخوردار نیست، ولی توهین مشدد به اعتبار شخصیت، مقام، اشیاء یا زمان‌هایی که طرف اهانت قرار می‌گیرند، از کیفیت مشدد برخوردار می‌باشد. (میرمحمدصادقی، ۴۱۸، ۱۳۸۷)

۱-۲-۲- توهین به اعتبار مقام

گاهی به دلیل شأن و منزلت شخص توهین شونده، توهین با واکنش شدید قانون‌گذار مواجه است؛ یعنی در مواردی که توهین شونده دارای موقعیت و منزلت خاص مذهبی، اجتماعی و یا سیاسی باشد قانون‌گذار برای اهانت کننده، مجازات‌های شدیدتری پیش بینی کرده است. در مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ از قانون مجازات اسلامی، از توهین به مقدسات و حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری، به عنوان مصادیق توهین مشدد یاد شده است.

عمده‌ترین توهین‌های مشدد، علاوه بر دو مصداق فوق‌الاشاره در حال حاضر عبارتند از:

توهین به رئیس جمهور و سایر مقامات مملکتی و رسمی و نمایندگان سیاسی کشورهای خارجی، که شرایط اختصاصی این قسم از توهین عبارتند از:

- انجام عمل مادی وهن‌آور؛ اعم از کتبی و شفاهی؛

- طرف توهین باید صاحب سمت یا مقام مملکتی، رسمی و دولتی باشد؛

- توهین باید در حال انجام وظیفه یا به سبب آن باشد. (ولیدی، ۲۹۵، ۱۳۷۳)

۲-۲-۲- توهین مشدد به اعتبار جنسیت یا آن طرف توهین

در قانون، زن بودن یا صغیر بودن قربانی، جرم توهین را موجب تشدید مجازات می‌داند. ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید، به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

در این ماده منظور از «تعرض» دست‌درازی و ایجاد مزاحمت جسمانی است، و منظور از «اطفال» هم کودکانی هستند، به بر اساس ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی به سن بلوغ شرعی نرسیده- اند. (توکلی، ۱۳۸۲، ۱۹)

۲-۲-۳- توهین مشدد به اعتبار نحوه ارتکاب

در ماده ۷۰۰ قانون تعزیرات: «هر کس با نظم یا نثر به صورت کتبی یا شفاهی، کسی را هجو کند و یا هجو را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می‌شود.»

هجو: گاهی ممکن است شخص توهین کننده، با مرتبط کردن کلمات و عبارات به یکدیگر شخص مقابل را در قالب یک قطعه منظوم یا منثور، مورد اهانت قرار دهد، که این کار را هجو می‌گویند. در واقع شرط تحقق این جرم، مرتبط کردن کلمات و واژه‌ها به یکدیگر، در قالب یک شعر یا قطعه منثور می‌باشد و صرف پی در پی گفتن کلمات توهین آمیز به دیگری موجب تحقق هجو نمی‌شود.

۲-۲-۴- توهین مشدد به اعتبار وسیله ارتکاب

برای مثال از مطبوعات به عنوان وسیله‌ای برای توهین به اشخاص، اعم از مسئولان دولتی و افراد عادی استفاده می‌شود، و در قانون مطبوعات اعمالی چون، اهانت به دین اسلام و مقدسات آن و اهانت به رهبری و مراجع مسلم تقلید، افترا به مقامات و مردم و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی و توهین به شخص متوفی، که عرفاً توهین به بازماندگان وی به حساب آید، انتشار مطالب مشتمل بر تهمت، افترا، فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین آمیز و نظایر آن، نسبت به اشخاص ممنوع دانسته شده است. (توکلی، ۱۳۸۲، ۱۰)

۲-۲-۵- توهین مشدد به اعتبار ماهیت انتساب

گاهی ممکن است گفتار و رفتار توهین آمیز کسی، نسبت به دیگری به گونه‌ای باشد، که به جای آن که صرفاً موجب تخفیف شخصیت و تحقیر او شود، ارتکاب عمل مجرمانه‌ای را به طور صریح به وی نسبت دهد، که این نوع گفتار و رفتار موجب تشدید مجازات مرتکب، در مقایسه با توهین ساده خواهد شد. (توکلی، ۱۳۸۲، ۱۱)

۳-۲- توهین مستوجب حد

به توهینی اطلاق می‌شود، که مجازات آن از نوع حدّ است، نه تعزیر. قذف به عنوان توهینی که مجازات آن حدّ است، از بارزترین مصادیق این توهین به شمار می‌رود. (سیاح، ۱۸۴۹، ۱۳۷۸)

۴-۲- هجو

هجو در لغت به معنای شتم و دشنام و بر شمردن عیوب آمده است. هجو در لغت به معنای شتم و دشنام، و بر شمردن عیوب آمده است، و در قانون توهین به اعتبار وسیله ارتکاب عمل را هجو گویند؛ بدین معنا که در هجو افراد، به شکل عبارت منظوم یا منثور فرد یا افرادی را مورد تهاجم و توهین قرار دهند.

مطابق ماده ۷۰۰ قانون تعزیرات: هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند؛ یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می‌شود. اگر کسی در هجو به اعتبار و شخصیت افراد هجو کند، مجازات شدیدتری نسبت به افراد عادی برایش مقرر نشده است.

۳- قوانین موضوعه اهانت به مقدسات قبل از انقلاب اسلامی

کنت دومنت فرت که برای اداره نمودن پلیس، از اتریش به ایران آمده بود، کتابچه‌ای شبیه به قانون نوشت و آن را به امضای ناصرالدین شاه قاجار رساند. موادی از آن قانون، به جرایم مطبوعاتی اختصاص داشت. به طور مثال در ماده سه آن آمده بود: «کسی که کنکاش و خیالات و تحریک بد در حق دولت بکند، و یا افترا و تهمت تحریراً یا تقریراً به دولت بزند، بعد از ثبوت تقصیر بر حسب حدود تقصیرات، از یک الی پانزده سال محبوس خواهد شد». (سیفی قمی تفرشی، ۱۳۶۲، ۷)

اولین قانون مطبوعات ایران، در پنجم محرم ۱۳۲۶ هجری قمری به تصویب رسید. این قانون مقتبس از قانون مطبوعات فرانسه، مصوب ژوئیه ۱۸۸۱ است و در آن قانون، توهین مطبوعاتی جرم تلقی شده بود. در دوران پهلوی دوم، دو قانون مطبوعات به تصویب مجلس رسید، یکی قانون جامع مطبوعات، مصوب یازدهم آذر ۱۳۳۱ مجلس شورای ملی و دوم که قانون مطبوعات مصوب پانزدهم بهمن ۱۳۳۱ بود. این قانون تا پیروزی انقلاب اسلامی، بر حقوق مطبوعات حاکم بود. (سیفی قمی تفرشی، ۱۳۶۲، ۸)

ماده واحده مصوب ۱۳۲۷/۱۲/۱۲ قانون اصلاح قانون مطبوعات: الف- هرگاه در روزنامه یا هر نشریه دیگر، به پادشاه یا اعضای خانواده سلطنتی (پدر - مادر- ملکه - اولاد - برادر- خواهر پادشاه) و یا به اساس دین اسلام و اصول احکام آن و مقام مقدس انبیاء و ائمه اطهار اهانت و هتک حرمت

شود ... فوراً به ضبط اوراق منتشره، و توقیف مرتکب، اقدام و ظرف ۲۴ ساعت پرونده را نزد دادستان ارسال و دادستان فوراً به دادگاه صلاحیت دار بفرستد.

ماده ۱۷ قانون مطبوعات ۱۳۳۱، ماده ۱۳ قانون مطبوعات ۱۳۳۴: «هرکس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد، به یک سال تا سه سال حبس تادیبی محکوم می‌شود.» در فصل سوم لایحه قانونی مطبوعات، مصوب ۱۳۳۴/۵/۱۰ در بخش جرایم، مواد ۱۶ تا ۲۲ به جرم اهانت اختصاص داده است، و موارد زیر را قابل پی‌گیری و برای آن‌ها مجازات حبس تادیبی، از یک تا سه سال و ... در نظر گرفته است:

توهین و ... به مقام سلطنت، شخص شاه یا ملکه یا ولیعهد (ماده ۱۶)

توهین و ... به خاندان سلطنت (پدر، مادر، اولاد، برادر و خواهر شاه) (تبصره ماده ۱۶)

توهین و ... به شخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید (ماده ۱۷)

توهین و ... به رییس یا نماینده سیاسی مملکتی که با ایران روابط دوستانه دارد (ماده ۱۸)

توهین و ... افراد مردم اعم از مامورین رسمی یا غیر آن‌ها (ماده ۲۰)

توهین و ... به هیات وزرا یا هیات نمایندگان یکی از مجلسین یا هیات قضات (ماده ۲۱)

توهین و ... به اقلیت‌های مذهبی مطرح در قانون اساسی یا نژادی ساکن در ایران (ماده ۲۳) نکته قابل تأمل در قانون فوق، در مقایسه با ماده واحده قانون اصلاح قانون مطبوعات شاهنشاهی مصوب ۱۳۲۷/۱۲/۱۲ این است، که در این قانون که در دهه دوم حکومت رضا شاه، مصوب شده است، از اهانت به مقام مقدس انبیاء و ائمه اطهار اهانت و هتک حرمت آن‌ها سخنی به میان نیآورده است. در واقع جرم توهین به مقدسات در قوانین کشور ما به طور صریح تا سال ۱۳۶۴ پیش بینی نشده بود و فقط در ماده ۱۳ لایحه قانونی مطبوعات مصوب، دهم مرداد ۱۳۳۴ آمده بود: (هر کس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد، به یک سال تا سه سال حبس جنجه‌ای محکوم می‌شود) که با توجه به این که این جرم، در لایحه قانونی مطبوعات پیش بینی شده بود، زمانی جرم اضرار به اساس دین حنیف اسلام تحقق پیدا می‌کرد، که با یکی از وسایل نشریه از قبیل نطق، فریاد، مطالب کتبی یا چاپی، و غیره صورت گرفته باشد، و دیگر موارد اهانت به دین اسلام، که به وسیله غیر مطبوعات صورت پذیرد، را شامل نمی‌شد. (زابلی، ۱۳۴۵، ۶۵)

۴- قوانین موضوعه اهانت بعد از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل صبغی دینی حکومت و در راستای صیانت از ارزش‌های اسلامی، نخست در قانون مطبوعات ۱۳۵۸ و پس از آن در قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و سپس در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ و نیز در قانون اصلاحی مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ به موضوع اهانت به مقدسات پرداخته شد. قانون گذار، با تصویب قانونی جدید در مورد مطبوعات ابتدا در سال ۱۳۵۸ و سپس در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۲، جرم توهین به مقدسات اسلامی را پیش بینی کرد. در ماده ۲۰

قانون مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ آمده است: «هر کس به وسیله مطبوعات، به دین مبین اسلام و مقدسات آن یا سایر مذاهب رسمی کشور اهانت کند، به شش ماه تا دو سال حبس جنحه‌ای محکوم می‌شود».

همچنین در ماده ۲۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲ آمده است: «هر کس به وسیله مطبوعات، به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا، و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع بر اساس تعزیرات، با وی رفتار خواهد شد».

بر اساس این ماده، اگر کسی به وسیله مطبوعات نسبت به اسلام و مقدسات آن اهانت می‌کند، مجازات دقیقی برای آن پیش بینی نشده بود؛ چون در این ماده، برای اهانت کننده دو گونه مجازات تعیین شده بود، اگر اهانت مرتکب منجر به ارتداد می‌شد، درباره او حکم ارتداد جاری می‌شد، و حکم ارتداد در قوانین جزایی ما مشخص نشده بود، و در فقه نیز در مورد مجازات مرتد اختلافاتی وجود دارد، به طوری که حتی برخی از نویسندگان، منکر مجازات دنیوی برای مرتد می‌باشند، (کدیور، ۲۵۷، ۱۳۸۰) و اگر اهانت مرتکب به ارتداد نمی‌انجامد، باید با او طبق نظر حاکم شرع، بر اساس قانون تعزیرات رفتار می‌شد، و در آن زمان در قانون تعزیرات، ماده قانونی وجود نداشت که مجازات توهین کننده به اسلام و مقدسات آن، را مشخص کرده باشد. به خاطر از بین بردن این نقیصه و جلوگیری از صدور احکام متفاوت، قانون گذار در قانون تعزیرات جدید که در خرداد سال ۱۳۷۵ به تصویب رسید، در این زمینه ماده ۵۱۳ را پیش بینی کرد.

۵- بررسی عناصر ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات

در این ماده آمده است: «هر کس به مقدسات اسلام، و هر یک از انبیای عظام و یا ائمه طاهرین (علیهم السلام) و یا حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب النبی باشد، اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد».

از لحاظ حقوقی، برای آن که فعل انسانی جرم به شمار آید، باید نخست قانون گذار این فعل را جرم شناخته و کیفی برای آن مقرر کرده باشد، علاوه بر این، این عمل یا ترک عمل مشخص، باید توسط شخص به ظهور و به مرحله فعلیت برسد، و هم چنین ارتکاب این عمل باید از روی علم و اختیار باشد. (اردبیلی، ۱۲۵، ۱۳۷۹)

به طور کلی می‌توان در مورد توهین آمیز بودن رفتار و اعمال، چنین نتیجه گرفت که اعمال و رفتار انسان از حیثیت توهین آمیز بودن به چند دسته تقسیم شود:

اول، برخی اعمال هستند که توهین، جزء جدانشدنی آن‌ها می‌باشد، مانند، وجود درد نسبت به زدن شدید.

دوم، برخی اعمال هستند که به خودی خود ظهور در اهانت دارند، چه شخص قصد اهانت داشته باشد یا نداشته باشد، در چنین مواردی عمل توهین محسوب می‌شود، چه مرتکب آن قصد توهین داشته باشد یا بگوید بدون قصد مرتکب شده است.

سوم، برخی اعمال هستند که به خودی خود نه اهانت آمیز هستند نه غیر اهانت آمیز؛ یعنی، ظهور و عدم ظهور آن در توهین مساوی است، در چنین مواردی ثبوت اهانت آمیز بودن آن بستگی به ثبوت قصد توهین دارد، به عبارت دیگر توهین در این موارد از امور قصدیه محسوب می‌شود و ثبوت قصد در این موارد بر عهده محکمه می‌باشد. (پیمانی، ۱۳۷۷، ۷۹)

۱-۵- رکن قانونی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون‌گذار با تصویب قانونی جدید در مورد مطبوعات در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۲، جرم توهین به مقدسات اسلامی را به طور صریح در ماده ۲۶ به شرح زیر پیش بینی کرد: «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا، و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع بر اساس تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.»

به خاطر از بین بردن این نقیصه و جلوگیری از صدور احکام متفاوت، قانون‌گذار در قانون تعزیرات جدید که در خرداد سال ۱۳۷۵ به تصویب رسید، در این زمینه ماده ۵۱۳ را پیش بینی کرد، که در آن مقرر شده است: «هر کس به مقدسات اسلام، و یا هر یک از انبیای عظام و یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب النبی باشد، اعدام می‌شود، و در غیر این صورت به حبس یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

۲-۵- عنصر مادی

یکی از شروط تحقق جرم آن است که قصد سوء با ارتکاب عمل خاصی دست کم به مرحله فعلیت برسد، که در حقوق جزا از این شرط تحت عنوان عنصر مادی جرم بحث می‌کنند. (اردبیلی، ۲۰۸، ۱۳۷۹)

۱-۲-۵- رفتار فیزیکی مرتکب

انجام عمل مادی وهن آور، اولین شرط از شرایط تحقق جرم توهین، انجام عمل وهن آور است، با توجه به این که، برای توهین در قوانین موارد و مصادیق مشخصی ذکر نشده است، و مفهوم توهین نیز مفهومی عام و کلی است، از این رو یک عمل توهین آمیز ممکن است به صورت کتبی، حضوری یا غیابی، به وسیله گفتار، کردار یا کتابت یا به هر وسیله دیگری صورت می‌پذیرد، مثلاً، اعمالی از قبیل فحاشی، اسناد مجرمانه و خلاف عفت و اخلاق حسنه به مقامات مذکور در این ماده یا انکار رسالت انبیای عظام یا تخریب و آلوده کردن زیارت‌گاه‌های مذهبی یا مقابر متبرکه

یا مساجد و همچنین آلوده کردن قرآن و پاره کردن و سوزاندن آن، در صورتی که به قصد توهین باشد، در نزد همه افراد به عنوان عمل توهین آمیز شناخته می‌شود، و در مورد موهن بودن آن‌ها تردیدی نیست. (شامبیاتی، ۱۳۸۴، ۵۴۱)

رفتار فیزیکی می‌تواند به شکل گفتار، کردار- نوشتار و حتی اشارات مختلف دست و چشم و نظایر این‌ها باشد. رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرم توهین قابل بحث می‌باشد، و هرچند ترک عملی که عرف انتظار انجام آن را از مرتکب دارد، گاه از نظر مردم، رفتاری خلاف موازین ادب و اخلاق تلقی می‌شود، مثل سلام نکردن به شخص واجب الاحترام، و لیکن برای کیفری محسوب شدن توهین، باید فعل مثبتی از مرتکب سرزند. (شامبیاتی، ۱۳۸۴، ۳۷۵)

لذا برخی اعمال از قبیل پوشیدن یا نپوشیدن لباس‌های مخصوص در زمان‌ها و مکان‌های مقدّس، تراشیدن یا نتراشیدن موهای بدن، گفتن یا نگفتن کلمات، عبارات و اوراد مخصوص، خوردن یا نخوردن پاره‌ای از طعام‌ها، انجام ندادن پاره‌ای از فرایض مذهبی در مواقع مخصوص و غیره، که با توجه به خصوصیات زندگی و اعتقادات پیروان ادیان و مذاهب مختلف، متفاوت می‌باشد، نمی‌توان به طور قطع حکم به توهین آمیز بودن آن کرد. بنابراین، تشخیص توهین آمیز بودن عمل در مواردی، مشکل و حساس می‌باشد. (پیمانی، ۱۳۷۷، ۷۹) ولی غالب حقوق دانان قبول کرده‌اند که ترک فعل را نیز می‌توان مصداق توهین دانست. در این زمینه آورده‌اند: «توهین عملی نیز ممکن است به صورت رفتار و کردار بی ادبانه و یا ترک اولی تحقق پذیرد» (پاد، ۱۳۴۷، ۳۹۴) و همچنین نوشته‌اند که «با توجه به عام بودن توهین می‌توان فحاشی و ناسزا خفت آور و یا ترک ادب را از مصادیق توهین محسوب نمود». (شامبیاتی، ۱۳۸۴، ۴۷۲)

با توجه به این که قانون گذار توهین را تعریف نکرده است و از نظر عرفی نیز مفهوم توهین یک مفهوم عام و گسترده می‌باشد و از امور نسبی است که با توجه به عرف، زمان، مکان، فرهنگ، باورها و شخصیت طرف توهین متفاوت می‌باشد، بدین جهت وجهی ندارد که دایره آن محدود به توهین ناشی از افعال شود؛ چون همه حقوق دانان قبول کرده‌اند، که ترک فعل می‌تواند عنوان مجرمانه به خود بگیرد، زمانی که انجام آن فعل از نظر قانون بر مرتکب لازم باشد. (اردبیلی، ۱۳۷۹، ۲۱۰)

با توجه به مطالب فوق در جرم مورد بحث ما، به عنوان مثال، اگر فرد مسلمانی هنگام ادای نام پیغمبر اکرم (ص) با شنیدن نام ایشان که با صدای بلند تلاوت شود، از ذکر صلوات خودداری نماید، یا هنگام ورود به صحن مطهر پیامبر اکرم (ص) یا ائمه اطهار (ع) یا خروج از آن اماکن، تعظیم نکند، نمی‌تواند به صرف ترک فعل بودن این عمل، آن را از دایره توهین خارج دانست، بلکه این عرف است، که در مورد توهین بودن این ترک فعل قضاوت خواهد نمود. از این رو، نمی‌توان به طور کلی برای همه موارد قائل به یک حکم شد، همین ملاحظات، موضوع جرم توهین به

مقدسات اسلامی را از حیثیت تطبیق عمل با عنوان بزه، دارای حساسیت فوق العاده‌ای کرده و بنابراین عدم رضایت ظرافت کار توسط قاضی، ممکن است به حقوق افراد زیان غیر قابل جبران وارد نماید. (پیمانی، ۱۳۷۷، ۷۸)

۲-۲-۵- شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم :

مرتکب جرم

با توجه به این که قانون گذار در مواردی که عنصر قانونی این جرم را تشکیل می‌دهد، در موارد مرتکب جرم عبارت «هر کس» را به کار برده است، حکم ماده ناظر به همه افراد است و مرتکب جرم خصوصیتی ندارد، پس اگر شخص مسلمان یا غیر مسلمان و ایرانی یا غیر ایرانی مرتکب این جرم شود، مشمول حکم این ماده خواهد بود.

احراز موضوعی که مورد اهانت واقع شده است

یکی دیگر از شرایطی که در تحقق این جرم نقش دارد این است، که احراز شود که توهین نسبت به مقدسات اسلام، یا دیگر افرادی است که در این ماده ذکر شده است، محقق گردیده است. بنا بر تعریف و ذکر مصادیقی که از مقدسات شده است، باید گفت منظور از مقدسات مندرج در این ماده، در درجه اول ذات باری تعالی و پس از آن همه مکان‌ها، چیزها و اشخاصی هستند، که از لحاظ موازین دین اسلام مقدس و قابل احترام محسوب می‌شوند، مثل قرآن کریم یا کعبه یا مزار پیامبر و امامان (علیه السلام) و یا شخصیت‌های مورد احترام سایر مذاهب، که از نظر اسلام هم واجب‌التعظیم هستند، مثل حضرت مریم یا هاجر (سلام الله علیهما) یا شخصیت‌های اسلامی مثل حضرت ابوالفضل یا علی اکبر یا حمزه یا زینب یا خدیجه (علیهم السلام). نکته دیگر مندرج در این ماده این است که، منظور از ائمه طاهرین دوازده امام (علیهم السلام) می‌باشند، که مورد قبول شیعیان اثنی عشری هستند، و منظور از حضرت صدیقه طاهره نیز حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. در مورد انبیا عظام نباید تصور کرد، که منظور از آن با توجه به، به کار بردن صفت عظام تنها پیامبران بزرگ مثلاً انبیا اولوالعزم می‌باشند. در این جا واژه عظام از حیث تعظیم و بزرگ داشت به کار رفته است، و بنابراین توهین به هر یک از کسانی که از لحاظ اعتقادات اسلامی، جزء یک صد و بیست و چهار هزار پیامبر شناخته شده الهی بوده‌اند، مشمول ماده قرار می‌گیرد، و از این لحاظ تفاوتی بین نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (صلوات الله علیهم) و سایر انبیا (علیهم السلام) وجود ندارد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۲، ۱۶۴)

گر چه که برخی از حقوق دانان معتقدند که، منظور از انبیا عظام پیامبرانی هستند، که نام یک صد تن از آنان در قرآن مجید، ذکر گردیده است. (پیمانی، ۱۳۷۷، ۷۹)

موضوع دیگری که در رابطه با این ماده قانونی لازم است، مورد توجه قرار گیرد آن است، که قانون گذار با ذکر کلمه مقدسات اسلام، در این ماده قانونی، لازم نبود که تعدادی از مصادیق آن

را به صورت جداگانه ذکر کند. از این رو آوردن این موارد خاص (انبیای عظام، ائمه طاهرين، صدیقه طاهره) توسط قانون گذار از باب ذکر خاص بعد از عام می‌باشد، که قانون گذار با توجه به اهمیت والای این چند مصداق، آن‌ها را پس از مقدسات اسلام که عنوانی عام می‌باشد، ذکر کرده است، نه این که قانون گذار خواسته باشد با این ذکر، این چند مورد خاص لفظ مقدسات اسلام را جدای از این موارد بداند. (پیمانی، ۱۳۷۷، ۷۹) و وقتی به عرف مراجعه می‌کنیم در کاربرد لفظ مقدسات این دقت لغوی را لحاظ نمی‌کنند، و در بر شمردن مصادیق آن به موارد غیر اشخاص از قبیل اشیاء و اماکن اکتفا نمی‌کنند، بنابراین، این نظریه صحیح به نظر نمی‌رسد و نظریه اول صحیح تر به نظر می‌رسد. (حسینی دشتی، ۱۳۷۹، ۵۵۴)

با توجه به این که در تحقق جرم توهین به مقدسات، باید موارد ذکر شده در این ماده احراز شود، باید توجه داشت، که اگر مرتکب به موردی توهین کند، که جزء مقدسات اسلام بودنش یقینی و ثابت نیست، نمی‌توان مورد را مشمول حکم این ماده دانست، حال این که مقدسات یقینی اسلام چیست، دو احتمال مطرح شده است:

احتمال اول: ظاهراً مقدسات شیعه از مصادیق یقینی مقدسات اسلام است. بنابراین، اهانت به این مقدسات از سوی هر کس که صورت بگیرد جرم است، چه مسلمان باشد، چه کافر، چه شیعه باشد، و چه غیر شیعه.

احتمال دوم: که درباره مقدسات دین اسلام مطرح می‌شود، آن است که، منظور از مقدسات اسلام، اموری باشد که تمامی مذاهب اسلامی در مقدس بودن آن اتفاق نظر داشته باشند، مانند ذات اقدس الهی و وحدانیت خدا، قرآن مجید، پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) و غیره. (زرعت، ۱۳۷۹، ۱۵۹)

۳-۲-۵- نتیجه حاصله

این جرم یعنی توهین به مقدسات، از جمله جرائم مقید است. بدین معنا که علاوه بر عمد در ارتکاب جرم علم به مقدس بودن نیز لازم است تا این جرم محقق بشود.

۳-۵- رکن روانی

جرم توهین و فحاشی از جمله جرائم عمدی است و منظور از آن علم و آگاهی مرتکب، به وهن آور بودن کردار یا گفتار یا نوشتاری است، که به حیثیت و شرافت طرف لطمه وارد می‌سازد. به طور کلی سوء نیت در جرم توهین و فحاشی مفروض می‌باشد، و احتیاج به اثبات ندارد، و اثبات خلاف آن به عهده متهم می‌باشد.

لازم به ذکر است در توهین مشدد، شخص مرتکب علاوه بر داشتن قصد اهانت، باید شخصیت طرف توهین را بشناسد و از سمت و مقام او نیز آگاهی داشته باشد، و گرنه عمل او توهین ساده تلقی خواهد شد جرم توهین به مقدسات، از جمله جرایم عمدی است و مراد از عمدی بودن آن

علم و آگاهی مرتکب به وهن آور بودن کردار، رفتار، گفتار و نوشتاری که به حیثیت و شرافت طرف جرم لطمه وارد می‌کند، علاوه بر این علم و آگاهی، عمد و قصد مرتکب به منظور هتک حیثیت و شرافت و حرمت طرف جرم لازم می‌باشد، بنابراین، شخصی که اعمال توهین‌آمیز و وهن‌آور از او سر می‌زند، باید ضامن دارا بودن قصد، لطمه زدن به حیثیت و آبروی دیگری عالم به موهن بودن عمل خود و مقدّس بودن طرف توهین باشد. (زراعت، ۹۷، ۱۳۷۹)

با توجه به لزوم رعایت شرط فوق، اگر کسی که نسبت به طرف جرم و موقعیت او اطلاعی ندارند، به طور مثال، شخصی غیر مسلمان که نسبت به قرآن شناختی ندارد، و نمی‌داند که در نزد مسلمان مقدّس می‌باشد، و هرگونه عمل توهین‌آمیز نسبت به آن جرم می‌باشد، چنین شخصی اگر نسبت به قرآن عملی انجام داد، که در نظر مسلمان توهین محسوب شود، نمی‌توان او را متهم به توهین به مقدسات دانست. و همچنین اگر یک فردی نسبت به اهانت آمیز بودن یک عمل، آگاهی نداشته باشد و آن را مرتکب شود عمل او توهین محسوب نخواهد شد. به طور مثال، در نزد عده‌ای از مسلمان در منطقه‌ای خاص، ورود به صحن مسجد با کفش توهین و بی‌احترامی به حرمت مسجد محسوب می‌شود و در منطقه‌ای دیگر چنین عملی توهین محسوب نمی‌شود، بنابراین، اگر کسی که نسبت به توهین‌آمیز بودن این عمل آگاهی ندارد، آن را انجام دهد، یقیناً عمل او توهین محسوب نخواهد شد. از این رو می‌بینیم هرگونه عمل توهین‌آمیز نسبت به افراد مختلف متفاوت خواهد بود. علاوه بر این، باید در هنگام توهین به قداست چیزی که مورد اهانت قرار می‌دهد، آگاهی داشته باشد، ولی اگر تصور او این باشد، که به چیزهایی توهین می‌کند که مثل سایر امور، عادی و معمولی است، مرتکب این جرم نشده است؛ مثلاً شخصی، نام پیامبری را سب می‌کند، در حالی که نمی‌داند او پیامبر است، در این صورت او ساب النبی (ص) نیست، البته نیازی نیست این علم تفضیلی باشد، بلکه علم اجمالی کافی است. بنابراین، احتیاجی نیست که توهین‌کننده به قدر و منزلت و مرتبت مقدّسات آگاهی داشته باشد، حتی لازم نیست خود به آن‌ها معتقد باشد، بلکه اگر خودش آن‌ها را قبول ندارد، ولی می‌داند که این امور در نزد مسلمانان دارای قداست و احترام است، همین میزان علم، برای تحقق این شرط کافی است. (اصغری، ۹۰، ۱۳۷۲)

- قصد توهین: قصد مرتکب برای از بین بردن حیثیت، شرافت و حرمت طرف جرم

در واقع این مطالب اشاره می‌کند که مرتکب در ارتکاب عمل خود، عامد باشد؛ یعنی در حالت خواب و هیپنوتیزم و مستی نباشد و کلاً بدون اراده مرتکب صورت نگیرد. شرط دیگری که برای تحقق این جرم لازم است، که شخص اعمال توهین‌آمیز را به قصد هتک حیثیت و شرافت و حرمت طرف جرم انجام دهد. بنابراین، اگر شخص از روی اشتباه و غفلت مرتکب عمل توهین‌آمیز شود، عمل او مشمول حکم این ماده نخواهد شد. یکی از محققین می‌گوید: «اگر کسی که

قصد دشنام دادن ندارد، بلکه از روی غفلت و نظایر آن چنین کاری می‌کند، بدون شک مسئولیتی بر عهده او نیست».

با توجه به لزوم قصد توهین، اگر کسی در یک بحث علمی و تحقیقی مطلبی را عنوان کند یا با رعایت موازین علمی استدلال کند و به نتیجه‌ای برسد، این مطلب که در بحث علمی عنوان شده است یا نتیجه‌ای که شخص با موازین علمی به آن رسیده است، هر چند از نظر عده‌ای توهین محسوب می‌شود، ولی به جهت فقدان قصد توهین عنصر روانی جرم مخدوش می‌باشد، بنابراین چنین شخصی قابل مجازات نخواهد بود.

مطلب دیگر قابل ملاحظه این است، که مقدسات علاوه بر آن جنبه روحانی و قدسی که دارند، و از آن جهت مقدس شمرده شده و دارای احترام می‌باشند، دارای جنبه مادی و این جهانی نیز می‌باشند. به طور مثال یک جلد قرآن کریم از آن جهت که حاوی آیات الهی می‌باشد، دارای قداست و مورد احترام ویژه مسلمانان می‌باشد، ولی ممکن است همین کتاب از جهت مادی یعنی کاغذ و جلد و خط آن مانند کتاب‌های دیگر باشد، یا یک مرجع دینی از جهت این که انتساب به دین دارد، و عالم به احکام دینی و مبین آن می‌باشد، دارای احترام خاص و قداستی می‌باشد، ولی بدون در نظر گرفتن این جنبه یک شخصیت حقیقی مانند دیگر افراد؛ با توجه به این جنبه‌های مختلفی که ممکن است برخی از مقدسات داشته باشند به نظر می‌رسد، وقتی توهین به مقدسات محقق شود که شخص توهین کننده قصد توهین و اهانت به همین جنبه خاص را داشته باشد، به خاطر این که پیش بینی جرم توهین به مقدسات به خاطر شرافت و قداستی است، که از همین جنبه خاص دارا می‌باشد، ولی از جنبه مادی برخی امور مقدس با موارد مشابه خود تفاوتی ندارند، ملاحظات فوق نیز از مواردی است که حساسیت این جرم را بیشتر می‌کند به همین دلیل تشخیص این جرم برای دادگاه کار سختی خواهد بود.

البته باید در نظر داشت که چون حقوق دانان، توهین را از جرایم مادی صرف می‌دانند، بنابراین سوء نیت را در آن همواره مفروض می‌دانند. از همین رو، برخی حقوق دانان قائل شده‌اند، در مواردی قرینه‌ای که بر وجود قصد توهین وجود دارد، ادعا نمودن متهم مبنی بر نبود قصد، پذیرفته نمی‌شود و باید متهم این ادعای خود را به اثبات برساند. (زراعت، ۱۳۷۹، ۹۷) سخن فوق در مورد اعمالی که توهین تلازم با آن است یا اعمالی که ظهور در توهین دارند صحیح می‌باشد ولی در مورد اعمالی که ظهور در توهین ندارند و اهانت آمیز بودن آن بستگی به قصد مرتکب دارد، احتمالاً باید قصد توهین وجود داشته باشد و اثبات آن نیز بر عهده دادگاه می‌باشد. به طور مختصر و در یک جمع بندی می‌توان نوشت، عنصر روانی در این جرم از دو رکن تشکیل شده است:

اول) سوء نیت عام: از نظر طبقه بندی عنصر روانی، جرم توهین که در آن قصد مجرمانه مرتکب همیشه مفروض است، از جمله جرایم صرفاً مادی محسوب می‌شود زیرا در این جرم صرف توهین

آمیز بودن اعمال یا زشت بودن لفظ مرتکب، تا کاشف از وجود قصد مجرمانه مفروض است. به عبارت دیگر، اثبات سوءنیت در این گونه جرایم جنبه حکمی دارد، نه موضوعی. دوم سوءنیت خاص: یعنی مرتکب شدن باید شخصیت طرف توهین را بشناسد و واقف به سمت و مقام او باشد. بنابراین احراز سوءنیت خاص شرط تحقق عنصر روانی جرم است و الا در صورت فقدان این شرط، عمل مرتکب توهین به شخص عادی محسوب شده و مشمول ماده ۶۰۸ ق.م.ا خواهد بود. (ولیدی، ۱۳۷۳، ۱۶۵)

نتیجه گیری

از لحاظ حقوقی برای آن که فعل انسانی جرم به شمار آید، باید نخست قانونگذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد، علاوه بر این، این عمل یا ترک عمل مشخص، باید توسط شخص به ظهور و به مرحله فعلیت برسد و هم چنین ارتکاب این عمل، باید از روی علم و اختیار باشد. حقوقدانان معمولاً خصوصیات و شرایط تحقق یک جرم و عناصر آن را در سه عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر روانی (معنوی) ذکر می نمایند، در خصوص این که، جرم توهین به مقدسات حق الله است یا حق الناس و یا هر دو، به دلالت آن چه فقهای مذاهب اربعه و فقهای امامیه، در بحث سبّ النبی که یکی از مصادیق این جرم است، بیشتر آن ها سب را مشترک بین حق الله و حق الناس دانسته اند، لکن قانون گذار ما این جرم را به عنوان یکی از جرائم غیر قابل گذشت پیش بینی کرده است. ذکر این موضوع نیز در پایان این فصل خالی از فایده نخواهد بود که متذکر گردیم بحث اهانت به مقدسات، همان گونه که در مقدمه نیز به آن اشاره شد، آن جا که موضوع بحث اهانت پیامبر اکرم (ص) و یا یکی از انبیای عظام و ائمه اطهار (علیهم السلام) باشد در فقه ما در ضمن بحث حدود و در ذیل آن مورد توجه فقها قرار گرفته است.

توهین اگرچه به طور معمول از راه فحش و دشنام و الفاظ رکیک حاصل می شود، گاه به صورت قولی و زمانی فعلی (یا ترک فعل) است. مثل آن که با حرکات و سکنات خود موجب اهانت دیگری گردد. جرم توهین به مقدسات، از جمله جرایم عمدی است و مراد از عمدی بودن آن علم و آگاهی مرتکب به وهن آور بودن کردار، رفتار، گفتار و نوشتاری که به حیثیت و شرافت طرف جرم لطمه وارد می کند، علاوه بر این علم و آگاهی، عمد و قصد مرتکب به منظور هتک حیثیت و شرافت و حرمت طرف جرم لازم می باشد، بنابراین، شخصی که اعمال توهین آمیز و وهن آور از او سر می زند باید ضامن دارا بودن قصد لطمه زدن به حیثیت و آبروی دیگری عالم به موهن بودن عمل خود و مقدس بودن طرف توهین باشد.

منابع

- اردبیلی، محمد علی، (۱۳۷۹)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، انتشارات میزان.
- اصغری، سید شکرالله، (۱۳۷۲)، سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات، تهران، انتشارات کیهان.
- بصیر، محمدباقر، (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی جرم اهانت به مقدسات در مذاهب خمسه، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.
- بصیر، محمدباقر؛ کناری زاده، حمیدرضا؛ سلیمی کوچی، اسماعیل، (۱۳۹۶)، حکم توهین کنندگان به مقدسات در مذاهب خمسه و حقوق کیفری ایران، فصلنامه اندیشمندان حقوق، شماره ۱۳.
- پاد، ابراهیم، (۱۳۴۷)، حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- پیمانی، ضیاءالدین، (۱۳۷۷)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان.
- توکلی، سعید، (۱۳۸۲)، افترا و توهین در حقوق کیفری ایران، ماهنامه دادرسی، مرداد و شهریور، شماره ۳۹.
- حسین جانی، بهمن، (۱۳۸۲)، حقوق جزای اختصاصی یک، تهران، انتشارات نسل نیکان.
- حسینی دشتی، سید مصطفی، (۱۳۸۹)، معارف و معاریف دایره المعارف جامع اسلامی، جلد نهم، بی جا، انتشارات مؤسسه فرهنگی آرایه.
- زابلی، محمد، (۱۳۴۵)، اعاده حیثیت، مجله قضایی اداره بازرسی نیروهای شاهنشاهی، شماره ۴.
- زراعت، عباس، (۱۳۷۹)، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، تهران، انتشارات فیض.
- سیّاح، احمد، (۱۳۷۸)، فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- سیفی قمی تفرشی، مرتضی، (۱۳۶۲)، نظم و نظیم در دوره قاجاریه، تهران، انتشارات فرهنگ سرا.
- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۸۴)، حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، تهران، انتشارات ژوبین.
- قدسی، سید ابراهیم؛ کوهیان افضل دهکردی، امین، (۱۳۸۸)، مقدسات و توهین به آن در حقوق کیفری ایران، نشریه مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و یکم.
- کدیور، محسن، (۱۳۸۰)، آزادی عقیده و مذهب در اسلام و اسناد حقوق بشر، مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، قم، انتشارات دانشگاه مفید قم.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۲)، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه امنیت و آرامش عمومی، تهران، انتشارات میزان.

- (۱۳۸۷)، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، تهران، انتشارات میزان.
- ولیدی، محمد صالح، (۱۳۷۳)، حقوق جزای اختصاصی، جلد دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲
- قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

